اخبار

پرسپولیس ۲۲ میلیارد درآمد شناسایی کرد

شرکت فرابورسی پرسپولیس در نخستین ماه سال مالی جدید خود، ۲۲۴ میلیارد ریال درآمد شناسایی کرده است. باشگاه فرهنگی ورزشی پرسپولیس در حالی به تازگی گزارش فعالیت یک‌ماهه منتهی به ۳۱ تیر ۱۴۰۵ را در سامانه کدال منتشر کرده، که بر اساس این گزارش، مجموع درآمد شناسایی‌شده این باشگاه در نخستین ماه سال مالی جدید به ۲۲۴ میلیارد و ۳۵۲ میلیون ریال رسیده است. بررسی جزییات درآمدها سرخ‌های پایتخت نشان می‌دهد درآمد ناشی از مشارکت و کمک‌های هواداری با ۱۶۴ میلیارد و ۸۵۷ میلیون ریال بیشترین سهم را در ترکیب درآمدهای ماهانه باشگاه داشته و به مهم‌ترین منبع درآمدی پرسپولیس در این دوره تبدیل شده است. پس از آن، سود سپرده‌های بانکی با ۲۶ میلیارد و ۷۵۳ میلیون ریال در رتبه دوم قرار دارد؛ موضوعی که نشان می‌دهد بخشی از منابع مالی باشگاه از محل سرمایه‌گذاری نقدینگی در شبکه بانکی تامین شده است. در بخش درآمدهای عملیاتی نیز، فعالیت آکادمی و مدارس فوتبال با ۱۶ میلیارد و ۶۶۶ میلیون ریال، فعالیت‌های ورزشی و مسابقات با ۹ میلیارد و ۵۸۸ میلیون ریال و فعالیت‌ها و خدمات اماکن ورزشی با ۶ میلیارد و ۴۸۸ میلیون ریال به ثبت رسیده است. در مقابل، گزارش تیرماه این باشگاه نشان می‌دهد پرسپولیس از محل انتقال بازیکنان، فروش بلیت مسابقات و بهره‌برداری از برند و علائم تجاری درآمدی شناسایی نکرده است؛ هرچند در گزارش ماه قبل، درآمدی معادل ۳۰ میلیارد ریال از محل انتقال بازیکنان و در مجموع ۷ هزار و ۷۷۱ میلیارد و ۴۶ میلیون ریال درآمد تجمیعی ثبت شده بود که بخش عمده آن به قراردادهای استفاده از برند و علائم تجاری مربوط می‌شود. از سوی دیگر، بررسی ترکیب درآمدها نشان می‌دهد درآمدهای پایدار ناشی از فعالیت‌های تجاری و بهره‌برداری از دارایی‌های نامشهود باشگاه، هنوز سهم محدودی در عملکرد ماهانه داشته و اتکای درآمدی پرسپولیس در نخستین ماه سال مالی بیشتر بر مشارکت هواداران استوار بوده است. بر این اساس در صورت فعال شدن ظرفیت‌های تجاری نظیر فروش محصولات، توسعه درآمدهای برند، بلیت‌فروشی و قراردادهای تجاری، ترکیب درآمدی باشگاه می‌تواند متنوع‌تر و از پایداری بیشتری برخوردار شود. گزارش منتشرشده همچنین نشان می‌دهد سرمایه ثبت‌شده باشگاه ۱۰ میلیون و ۵۱۵ هزار و ۱۵ میلیون ریال بوده و سال مالی شرکت در پایان خرداد ۱۴۰۶ خاتمه خواهد یافت.

واگذاری باقیمانده سهام دولت در باشگاه استقلال

چهارصد و پنجاه و سومین جلسه هیات واگذاری به ریاست سیدعلی مدنی‌زاده وزیر امور اقتصادی و دارایی و با حضور اعضای این هیات برگزار شد. در این جلسه، قیمت پایه و شرایط واگذاری «جایگاه شرکتی شهر کرج (البرز)» متعلق به شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران از طریق مزایده عمومی، تصویب شد. همچنین قیمت پایه و شرایط واگذاری ۱۱۷۲/۴۶ درصد از سهام «شرکت فولادمبید» متعلق به شرکت مادر تخصصی سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران و همچنین قیمت و شرایط واگذاری ۴۳/۸ درصد سهام «شرکت فولاد مکران منطقه آزاد چابهار» متعلق به شرکت مادر تخصصی سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران به تصویب رسید. اصلاح قیمت پایه مزایده بلوک‌های ۳۷۲/۶ درصدی و ۶۴۲/۰ درصدی سهام «شرکت نفت ستاره خلیج فارس» موضوع مصوبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۳ واگذار شده به سازمان تامین اجتماعی و شرکت پخش رازی از دیگر مصوبات این جلسه بود. همچنین تصویب قیمت پایه و شرایط واگذاری ۳،۱ درصد از سهام باقیمانده دولت در «شرکت فرهنگی ورزشی استقلال» متعلق به وزارت ورزش و جوانان از دیگر موارد دستور کار نشست هیات واگذاری بود.

رشد اوره؛ فرصت سود بورسی‌ها

صدای بورس | سرور قاراخانی - تحلیلگر بازارهای مالی نوشت: تداوم رشد قیمت جهانی اوره در کنار افزایش نرخ ارز، در صورت نبود محدودیت‌های صادراتی، می‌تواند به تقویت سودآوری شرکت‌های اوره‌ساز و افزایش درآمد صادرکنندگان بورسی منجر شود؛ موضوعی که در ماه‌های اخیر بیش از گذشته مورد توجه فعالان بازار سرمایه قرار گرفته است. رشد قیمت جهانی اوره به‌طور کلی اثر مثبتی بر عملکرد تولیدکنندگان این محصول دارد و یکی از مهم‌ترین پیامدهای آن، افزایش درآمدهای صادراتی است. با بالا رفتن نرخ‌های جهانی، درآمد دلاری شرکت‌های صادرکننده نیز افزایش می‌یابد؛ البته تحقق کامل این مزیت، وابسته به تداوم صادرات بدون محدودیت است. بازار جهانی اوره در ماه‌های اخیر تحت تأثیر عواملی همچون محدودیت‌های عرضه، تنش‌های ژئوپلیتیکی و اعمال محدودیت‌های صادراتی از سوی برخی کشورها با روند افزایشی قیمت مواجه شده است. این شرایط، در عین حال که فشارهایی بر بازار جهانی وارد کرده، می‌تواند برای تولیدکنندگان ایرانی به عنوان یک فرصت تلقی شود. در بازار سرمایه ایران، شرکت‌هایی مانند پتروشیمی پردیس، شیراز، خراسان و کرمانشاه بخش عمده سود خود را از محل فروش اوره به دست می‌آورند؛ به همین دلیل، سودآوری آنها به‌شدت به نوسانات قیمت جهانی این محصول وابسته است. در صورتی که این روند افزایشی همزمان با رشد نرخ ارز در داخل کشور باشد، اثر مثبت آن بر درآمد و سودآوری این شرکت‌ها دوچندان خواهد شد، چرا که مبنای تسعیر درآمدهای صادراتی، نرخ ارز است. با وجود این چشم‌انداز مثبت، صنعت اوره با چالش‌هایی نیز مواجه است؛ از جمله احتمال محدودیت یا قطع گاز در فصل زمستان، افزایش نرخ خوراک و سوخت، و همچنین مشکلات ناشی از تحریم‌ها و محدودیت‌های صادراتی و حمل‌ونقل. این عوامل می‌توانند بخشی از آثار مثبت ناشی از رشد قیمت جهانی را خنثی کنند. در صورتی که قیمت جهانی اوره در سطوح بالا باقی بماند، صادرات بدون وقفه ادامه پیدا کند و تأمین گاز واحدهای تولیدی با اختلال مواجه نشود، شرکت‌های اوره‌ساز این ظرفیت را دارند که به یکی از لیدرهای بنیادی بازار سرمایه تبدیل شوند و گزارش‌های فصلی قدرتمندتری ارایه دهند.

«تعادل» روند معاملات بازار سهام را در هفته‌ای که گذشت بررسی می‌کند

صعود بورس با ریسک‌های سیاسی

بازار سهام در هفته‌ای که گذشت روندی مثبت داشت و توانست برخلاف هفته‌های گذشته بازدهی مثبت و قابل توجهی در کارنامه خود به ثبت برساند، البته این بازدهی مطلوب در حالی است که شاخص در آخرین روز کاری هفته رخت سرخ بر تن کرد و شرایط خوبی نداشت.

با شروع معاملات در هفته اخیر شاهد افزایش ورود نقدینگی و سبزپوشی بازار بودیم و بورس تهران توانست دو روز طلایی را پشت سر بگذارد و نسبت به هفته‌های اخیر خود حتی به‌نوعی رکوردشکنی کند، این شرایط درحالی رخ می‌دهد که سایه تنش‌های سیاسی و جنگ روی کشور وجود دارد و احتمال می‌رود که بازار هر لحظه نسبت به این موضوع واکنش نشان دهد.

بازار سهام معاملات دو روز ابتدای هفته را با رشد پرقدرت آغاز کرد؛ اما در میانه مسیر از قدرت این رشد کاسته شد و شاهد آن بودیم که در نهایت طی آخرین روز کاری هفته یعنی چهارشنبه شاخص‌های بازار رخت سرخ بر تن کردند و با خروج نقدینگی مواجه شدند؛ اما برآیند معاملات همچنان مثبت باقی ماند. نخستین هفته مردادماه را می‌توان مثبت‌های هفته‌های بورس تهران دانست؛ هفته‌ای که با رشد شاخص‌ها، ورود قابل توجه پول حقیقی و بازگشت نسبی خوش‌بینی به معاملات همراه شد. هرچند بازار در آخرین روز معاملاتی تحت‌تأثیر افزایش نگرانی‌های سیاسی با فشار فروش مواجه شد، اما برآیند کلی معاملات نشان داد که جریان ورود نقدینگی همچنان به بورس ادامه دارد و معامله‌گران نسبت به آینده کوتاه‌مدت بازار نگاه امیدوارانه‌تری دارند.

در پایان معاملات هفته اخیر شاخص کل بورس تهران از سطح ۴ میلیون و ۸۸۴ هزار واحد به ۵ میلیون و ۷۵ هزار واحد رسید و با رشد ۱۹۱ هزار واحدی، بازدهی حدود ۳،۹ درصدی را ثبت کرد. همزمان شاخص هم‌وزن با افزایش ۷۶ هزار واحدی، از محدوده یک میلیون و ۳۵۶ هزار واحد به یک میلیون و ۴۳۲ هزار واحد صعود کرد. بازدهی ۵،۶ درصدی شاخص هم‌وزن در مقایسه با رشد شاخص کل، نشان می‌دهد که در جریان معاملات این هفته، نمادهای کوچک و متوسط مورد توجه بیشتری قرار گرفته‌اند و بخشی از نقدینگی بازار به سمت سهام غیرشاخص‌ساز حرکت کرده است.

بررسی جریان ورود و خروج پول حقیقی نیز تصویری نسبتاً امیدوارکننده از وضعیت بازار ارایه می‌دهد. داده‌های معاملاتی نشان می‌دهد طی پنج‌روز معاملاتی هفته، در مجموع ۵ هزار و ۵۶۳ میلیارد تومان پول حقیقی وارد بازار سهام شده است؛ رقمی که نسبت به هفته‌های قبل افزایش محسوسی دارد و می‌تواند نشانه‌ای از بهبود اعتماد سرمایه‌گذاران خرد به روند معاملات باشد.

در میان روزهای معاملاتی هفته، یکشنبه ۴ مرداد بدون تردید بهترین روز بازار بود؛ روزی که کاهش نسبی تنش‌های سیاسی و بازگشایی موفق برخی نمادهای متوقف، موجی از خوش‌بینی را به تالار شیشه‌ای بازگرداند. در این روز، بیش از ۶ هزار و ۱۶۰ میلیارد تومان پول حقیقی وارد بازار شد و شاخص کل نیز جهشی بیش از ۱۰۷ هزار واحدی را تجربه کرد. قدرت تقاضا در معاملات یکشنبه به حدی بود که ۶۸۸ نماد در محدوده مثبت قرار گرفتند و ۵۴۲ نماد نیز با صف خرید به کار خود پایان دادند. علاوه بر این، برتری قابل توجه ارزش سفارش‌های خرید نسبت به سفارش‌های فروش، نشان می‌داد که خریداران کنترل کامل جریان معاملات را در اختیار گرفته‌اند. بسیاری از فعالان بازار، معاملات یکشنبه را نقطه عطفی در بازگشت اعتماد کوتاه‌مدت به بورس ارزیابی کردند؛ اتفاقی که توانست فضای رکودی هفته‌های گذشته را تا حدی تغییر دهد.

در مقابل، چهارشنبه ۷ مرداد محتاط‌ترین و ضعیف‌ترین روز معاملاتی هفته بود. افزایش نگرانی‌های سیاسی و رشد ریسک‌های غیراقتصادی باعث شد بازار با فشار فروش آغاز به کار کند و شاخص کل در پایان معاملات بیش از ۳۳ هزار واحد افت کند. همچنین خروج ۲ هزار و ۲۰۴ میلیارد تومان پول حقیقی، سنگین‌ترین خروج نقدینگی هفته را رقم زد و بخشی از خوش‌بینی ایجادشده در روزهای ابتدایی هفته را تعدیل کرد.

بااین‌حال، شرایط بازار در ادامه معاملات چهارشنبه تا حدودی بهبود یافت و بخشی از فشار فروش اولیه کاهش پیدا کرد. نکته قابل توجه آن بود که شاخص هم‌وزن برخلاف شاخص کل، همچنان در مسیر صعودی باقی ماند و با رشد ۶ هزار و ۲۵۵ واحدی به کار خود پایان داد. همچنین ۴۷۶ نماد در محدوده مثبت باقی ماندند که نشان می‌دهد فشار فروش عمدتا متوجه نمادهای بزرگ و شاخص‌ساز بوده و بخش مهمی از سهام کوچک‌تر همچنان از حمایت تقاضا برخوردار بوده‌اند.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های معاملات این هفته، کاهش تدریجی هیجان خرید پس از جهش پرقدرت ابتدای هفته بود. اگرچه ارزش معاملات در روزهای دوشنبه و سه‌شنبه در محدوده ۳۰ هزار میلیارد تومان تثبیت شد، اما همچنان با سطوح رکوردی دوران اوج بازار فاصله داشت. این موضوع نشان می‌دهد که بخشی از معامله‌گران همچنان با احتیاط عمل می‌کنند و ورود نقدینگی به بازار هنوز به مرحله‌ای نرسیده که بتوان از شکل‌گیری یک موج فراگیر صعودی سخن گفت.

یکی از مهم‌ترین دلایل احتیاط در بازار را می‌توان ادامه‌دار بودن تنش‌ها دانست. همچنان شرایط جنگی در کشور ادامه دارد و طی روزهای اخیر شاهد حملات دشمن به نواحی در جنوب کشور بودیم، همین موضوع یک ریسک اساسی برای بازار سهام به‌حساب می‌آید و باعث شده سهامداران بااحتیاط بیشتری در بازار معامله کنند؛ چراکه ترس از ریزش بازار و تعطیلی ادامه دارد آن (همانند جنگ ۴۰ روز) وجود دارد و همین موضوع باعث شده که سرمایه‌گذاران در شرایط فعلی ریسک بسیار بالایی نداشته باشند.

با این وجود، روند کلی معاملات نشان می‌دهد که جریان پول همچنان در بازار و میان صنایع مختلف در حال گردش است.

افزایش بازدهی شاخص هم‌وزن نسبت به شاخص کل نیز این پیام را مخابره می‌کند که بخشی از سرمایه‌گذاران ترجیح داده‌اند به‌جای تمرکز بر نمادهای بزرگ، به سمت سهام کوچک‌تر و متوسط حرکت کنند؛ نمادهایی که معمولاً در دوره‌های افزایش ریسک سیاسی یا نوسانات شاخص سازها، ظرفیت رشد بیشتری پیدا می‌کنند.

به‌طور کلی، بورس تهران در اولین هفته مردادماه توانست با شرایط قابل توجه معاملات خود با به پایان برساند و باوجود تمامی ریسک‌ها شاخص توانست رشد بیش از ۱۹۱ هزار واحدی را در کارنامه خود ثبت کند و از سوی دیگر بیش از ۵،۵ میلیارد تومان پول حقیقی نیز به بورس وارد شد که این موضوع نشانه‌ای از بهبود معاملات بازار و واکنش کمتر سرمایه‌گذاران به تنش‌های سیاسی است. به بیان ساده‌تر درست است که در حال حاضر و طی چند هفته اخیر شاهد آن هستیم که سایه سنگین تنش‌های سیاسی و جنگ روی بازارهای مالی خصوصا بورس سنگینی می‌کند اما در همین حال بورس توانسته در برابر این تنش‌ها مقاومت کند و بازدهی نسبت خوبی را در کارنامه خود ثبت کند. نکته اساسی اینجاست در فصل زمان بهار و در زمان جنگ شاهد آن بودیم که بسیاری از شرکت‌ها صورت مالی بسیار مثبت منتشر کردند و این موضوع نشان می‌دهد که صنایع فعال بازار سهام در روزهای جنگی توانسته در برابر ریسک‌های سنگین مقاومت کنند و سود بسازند و اگر ریسک داخلی همانند تغییر قوانین وجود نداشته باشد شاهد روزهای بهتری برای بورس خواهیم بود.

خصوصی‌ها جلوتر از غول‌های بانکی در بورس

در بازار سرمایه، اندازه ترازنامه همواره یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سنجش وزن و جایگاه بانک‌ها به شمار می‌رود. بانک‌هایی که دارایی‌های بزرگ‌تری دارند، در نگاه نخست باید از موقعیت برتر، نفوذ بیشتر و ظرفیت سودآوری بالاتری برخوردار باشند. با این حال، تجربه معاملات بورسی در ماه‌های اخیر نشان می‌دهد که قضاوت بازار صرفا بر مبنای حجم دارایی انجام نمی‌شود.

داده‌های موجود از یک سو نشان می‌دهد بانک‌های بزرگ دولت‌دار همچنان از نظر سطح دارایی در صدر قرار دارند و از سوی دیگر بیانگر آن است که فعالان بازار سرمایه در ارزش‌گذاری سهام، تنها به دارایی‌های ثبت‌شده در صورت‌های مالی اکتفا نکرده‌اند. به بیان دیگر، آنچه در تابلوی بورس دیده می‌شود این پیام را مخابره می‌کند که معیارهایی مانند کیفیت سود، چابکی مدیریتی، بازدهی سهام، انتظارات از آینده، ترکیب درآمدی و توان خلق ارزش برای سهامداران، در برخی بانک‌های خصوصی وزن بیشتری در تصمیم سرمایه‌گذاران داشته است.

برتری در دارایی، نه لزوما در ارزش بازار

براساس گزارش صدای بورس، در میان بانک‌های مورد بررسی، بانک ملت با حدود ۴۹۰۲ همت دارایی، بانک صادرات با ۲۵۹۳.۲۳ همت و بانک تجارت با ۲۱۱۱.۱۶ همت، سه بازیگر بزرگ از منظر ترازنامه به شمار می‌روند. پس از آن نیز بانک پاسارگاد با ۲۰۲۷.۰۱ همت، بانک پارسیان با ۱۱۷۵.۳۰ همت و بانک سامان با ۹۶۷.۳۹ همت قرار می‌گیرند. در رده‌های بعدی نیز بانک‌های نوین، شهر، گردشگری، کارآفرین، خاورمیانه، پست بانک، دی، ملل، رسالت، سرمایه و سینا قرار دارند. این ارقام به‌روشنی نشان می‌دهد که بخش مهمی از دارایی صنعت بانکداری همچنان در اختیار بانک‌های بزرگ و باسابقه‌تر است؛ بانک‌هایی که به‌طور سنتی در ذهن فعالان اقتصادی از جایگاه بزرگ‌تر برخوردارند.

اما این تصویر در بازار سهام به شکل دیگری بازتاب یافته است. در جدول ارزش بازار، بانک پاسارگاد با ارزشی در حدود ۴۱۵ هزار میلیارد تومان در صدر قرار گرفته و حتی از بانک ملت با ارزش بازار حدود ۳۸۵ هزار میلیارد تومان پیشی گرفته است. این در حالی است که دارایی‌های پاسارگاد به‌مراتب کمتر از ملت است. به عبارت روشن‌تر، بازار برای بانکی با حدود ۲۰۲۷ همت دارایی، ارزشی بالاتر از بانکی با حدود ۴۹۰۲ همت دارایی قائل شده است. همین نقطه، شاید مهم‌ترین گره تحلیلی این مقایسه باشد: چرا بانکی که از نظر دارایی کوچک‌تر است، از نظر ارزش بازار جایگاه بالاتری به دست آورده است؟

وقتی بازار فقط ترازنامه را نمی‌بیند

ارزش بازار لزوما انعکاس مستقیم حجم دارایی نیست، بلکه برآیندی از نگاه سرمایه‌گذاران به سودآوری آتی، کیفیت مدیریت، میزان کارآمدی، ساختار درآمد، نسبت‌های مالی، ریسک‌های عملیاتی و حتی اعتبار برند بانک است. از همین رو، ممکن است بانکی با دارایی کمتر، اگر در ذهن بازار واجد چشم‌انداز سودسازی بهتر و اداره کاراتر باشد، ارزشی بالاتر از یک بانک بزرگ‌تر به دست آورد.

نمونه دیگر این وضعیت را می‌توان در مقایسه بانک سامان و بانک تجارت مشاهده کرد. بانک سامان با دارایی حدود ۹۶۷.۳۹ همت، ارزشی نزدیک به ۹۱.۹ هزار میلیارد تومان دارد، در حالی که بانک تجارت با دارایی ۲۱۱۱.۱۶ همت، ارزش بازاری در حدود ۸۶.۶ هزار میلیارد تومان را ثبت کرده است. همچنین بانک نوین با دارایی ۶۲۵.۸۷ همت، ارزشی حدود ۸۷.۲ هزار میلیارد تومان دارد که اندکی بالاتر از تجارت قرار می‌گیرد. این ارقام نشان می‌دهد که بازار در چند مورد مشخص، به بانک‌های خصوصی یا کم‌دارایی‌تر، بهای بیشتری نسبت به برخی بانک‌های بزرگ دولت‌دار داده است.

حتی در مورد بانک شهر نیز این فاصله قابل توجه است. این بانک با دارایی حدود ۵۷۹.۰۷ همت، ارزشی معادل ۱۵۶.۹ هزار میلیارد تومان دارد؛ رقمی که آن را بالاتر از بسیاری از بانک‌های بزرگ‌تر از نظر ترازنامه قرار می‌دهد. بانک خاورمیانه نیز با دارایی ۲۸۱.۲۶ همت، ارزش بازار ۶۰.۶ هزار میلیارد تومانی را ثبت کرده و توانسته در کنار برخی بانک‌های خصوصی دیگر، جایگاهی فراتر از انتظار صرفا مبتنی بر اندازه دارایی به دست آورد.

دولت‌دارها بزرگ‌اند، اما بازار محتاط است

بانک‌های بزرگ دولت‌دار اگرچه ترازنامه‌های سنگین‌تری دارند، اما این بزرگی لزوما به معنای ترجمه شدن به ارزش بازار بیشتر نبوده است. بانک صادرات با وجود ۲۵۹۳.۲۳ همت دارایی، ارزش بازاری در حدود ۵۱.۶ هزار میلیارد تومان دارد و بانک تجارت با بیش از ۲۱۱۱ همت دارایی، در سطح ۸۶.۶ هزار میلیارد تومان ایستاده است. نسبت این ارزش‌ها به حجم دارایی، در مقایسه با برخی بانک‌های خصوصی، پایین‌تر به نظر می‌رسد و همین مساله می‌تواند بیانگر احتیاط بازار در قبال کیفیت سودآوری، ساختار ترازنامه یا چشم‌انداز تحولی این بانک‌ها باشد.

دولت به‌ترتیب حدود ۱۱ درصد، ۱۰ درصد و ۸ درصد از سهام بانک‌های ملت، تجارت و صادرات را در اختیار دارد. بنابراین دقیق‌تر آن است که از این سه بانک به عنوان بانک‌هایی با سهم مالکیتی دولت یاد شود. با این حال، همین سطح از حضور دولت نیز در ذهن بازار بی‌تاثیر نیست و ممکن است بر ارزیابی سرمایه‌گذاران از درجه چابکی مدیریتی، سرعت تصمیم‌گیری، استقلال راهبردی و افق اصلاحات عملیاتی اثر بگذارد.

بازدهی سه‌ماهه، تایید دوم برای برتری خصوصی‌ها

بررسی بازدهی سه‌ماهه بانک‌ها نشان می‌دهد در میان نمادهای مورد بررسی، بانک سامان بازدهی ۹۹.۲۹ درصدی را ثبت کرده که یکی از بالاترین ارقام در این گروه است. پس از آن، بانک نوین با ۶۵.۴۴ درصد، پست بانک با ۶۳.۶ درصد، بانک گردشگری با ۶۱.۸۵ درصد و پاسارگاد با ۵۸.۲۱ درصد قرار دارند. بانک خاورمیانه نیز بازدهی ۵۶.۸۳ درصدی را تجربه کرده است. این در حالی است که بازدهی سه‌ماهه بانک ملت ۸.۵۹ درصد، بانک تجارت ۶.۴۹ درصد و بانک صادرات منفی ۱.۹۳ درصد بوده است. این فاصله معنادار، تا حد زیادی روایت برتری خصوصی‌ها در نگاه بازار را تقویت می‌کند.

بازدهی ماهانه نیز در برخی نمادهای خصوصی تصویر مشابهی ارایه می‌دهد. بانک سامان در یک ماه ۲۹.۷۶ درصد رشد کرده، بانک خاورمیانه ۲۳.۶۸ درصد، بانک نوین ۱۴.۸۱ درصد و بانک گردشگری ۵۲.۰۴ درصد بازدهی داشته‌اند. در مقابل، بانک ملت در همین دوره ۱۱.۳۵ درصد افت داشته و تجارت نیز ۲.۳۳ درصد کاهش را تجربه کرده است. هرچند نوسانات کوتاه‌مدت را نمی‌توان به‌تنهایی مبنای داوری نهایی قرار داد، اما هم‌جهتی بازدهی‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت با شکاف ارزش بازار، حاوی پیامی روشن درباره ترجیحات فعلی بازار است.

نسبت‌های مالی چه می‌گویند؟

نسبت قیمت به سود نیز بخشی از همین تصویر را توضیح می‌دهد. پاسارگاد با P/E حدود ۱۰.۶۶، از منظر انتظارات بازار در سطحی متفاوت از برخی بانک‌های بزرگ‌تر قرار گرفته است؛ موضوعی که می‌تواند نشان‌دهنده انتظار بالاتر سرمایه‌گذاران از توان سودسازی یا رشد آینده این بانک باشد. در مقابل، ملت با P/E حدود ۱.۴۷، تجارت با ۳.۴۱ و صادرات با ۳.۵۹ معامله می‌شوند. پایین بودن این نسبت‌ها لزوما به معنای ارزندگی قطعی نیست، بلکه می‌تواند ناشی از احتیاط بازار نسبت به پایداری سود، کیفیت درآمدها یا ریسک‌های ساختاری باشد. در طرف دیگر، P/E بانک‌های خصوصی مانند سامان، نوین، خاورمیانه، کارآفرین و پست بانک نیز نشان می‌دهد بازار برای بخشی از این گروه حاضر شده مضرب‌های بالاتری بپردازد.

معیار اصلی، کیفیت استفاده از دارایی‌هاست

از منظر تحلیلی، این تفاوت را می‌توان ناشی از چند عامل دانست. نخست، کارایی مدیریتی و سرعت تصمیم‌گیری در بانک‌های خصوصی معمولا بالاتر ارزیابی می‌شود. دوم، بازار ممکن است کیفیت دارایی‌ها و ساختار درآمدی این بانک‌ها را مناسب‌تر بداند. سوم، انتظارات از رشد سودآوری در بانک‌های خصوصی، به‌ویژه آن دسته که در سال‌های اخیر بازدهی بهتری ثبت کرده‌اند، بالاتر است. چهارم، سهامداران در ارزش‌گذاری بانک‌ها فقط به «کمیت دارایی» نگاه نمی‌کنند، بلکه «کیفیت استفاده از دارایی» را نیز مهم می‌دانند. بانکی که بتواند از منابع خود سود باکیفیت‌تر و پایدارتر بسازد، طبیعی است که توجه بیشتری از بازار دریافت کند.

پیام روشن تابلوی بورس

شکاف میان ارزش بازار و حجم دارایی در صنعت بانکداری را باید یک نشانه مهم از داوری بازار درباره کیفیت عملکرد دانست. برخی بانک‌های خصوصی، با وجود آنکه از نظر دارایی پایین‌تر از بانک‌های بزرگ دولت‌دار قرار می‌گیرند، در بورس جایگاه بهتری به دست آورده‌اند. پیشی گرفتن پاسارگاد از ملت در ارزش بازار، برتری سامان و نوین نسبت به تجارت، و بازدهی‌های قوی‌تر در طیفی از نمادهای خصوصی، همگی حکایت از آن دارد که بازار سرمایه در شرایط فعلی، عملکرد و کارایی را بیش از صرف بزرگی ترازنامه مورد توجه قرار داده است. اگر این روند در ماه‌های آینده نیز تداوم یابد، می‌توان با اطمینان بیشتری گفت که دست‌کم در نگاه بورس، کفه ترازو فعلا به نفع خصوصی‌ها سنگین‌تر شده و آنها توانسته‌اند تصویری کارآمدتر از خود نسبت به بانک‌های بزرگ دولت‌دار ارایه کنند.

رویداد

زیرساخت فناوری اطلاعات؛ سرمایه‌ای که تا زمان بروز بحران دیده نمی‌شود

صدای بورس | منصور کاظم‌نژاد، کارشناس بازار سرمایه نوشت: صنعت بازار سرمایه را امروز نمی‌توان بدون فناوری اطلاعات تصور کرد. اگر تا چند سال پیش فناوری اطلاعات صرفاً یک واحد پشتیبان محسوب می‌شد، امروز تقریباً تمام فرآیندهای اصلی یک کارگزاری، از معاملات برخط و مدیریت ریسک گرفته تا احراز هویت، ارتباط با سامانه‌های سازمان بورس، خدمات مشتریان، امنیت اطلاعات، گزارش‌دهی، ارتباطات داخلی و حتی تصمیم‌گیری‌های مدیریتی، به زیرساخت‌های فناوری اطلاعات وابسته است. به بیان دیگر، کارگزاری‌ها امروز بیش از هر زمان دیگری IT Driven هستند؛ یعنی تداوم کسب‌وکار آنها به عملکرد صحیح زیرساخت‌های فناوری اطلاعات وابسته است. با وجود این واقعیت، هنوز در بسیاری از سازمان‌ها، زیرساخت فناوری اطلاعات تا زمانی که بدون مشکل در حال ارایه خدمت است، کمتر دیده می‌شود. این موضوع شاید بزرگ‌ترین چالش مدیران فناوری اطلاعات باشد. سرورها، تجهیزات شبکه، فایروال‌ها، سامانه‌های مانیتورینگ، سیستم‌های پشتیبان‌گیری، مراکز داده، تجهیزات ذخیره‌سازی، سامانه‌های امنیتی و ده‌ها سرویس حیاتی دیگر، هر روز بدون آنکه دیده شوند در حال ارایه خدمت هستند. اما کافی است تنها چند دقیقه اختلال در یکی از این بخش‌ها ایجاد شود تا تمام سازمان تحت‌تأثیر قرار گیرد. به همین دلیل معتقدم ارزش واقعی زیرساخت، زمانی مشخص می‌شود که دیگر در دسترس نباشد؛ در حالی که فلسفه سرمایه‌گذاری در فناوری اطلاعات، جلوگیری از رسیدن به همین نقطه است.

خوشبختانه طی حدود یک دهه گذشته، با آغاز فعالیت مرکز امنیت اطلاعات بازار سرمایه (مکنا)، شاهد تغییر نگاه قابل توجهی نسبت به امنیت اطلاعات در صنعت بازار سرمایه بوده‌ایم. تدوین سند جامع امنیت اطلاعات، الزامات امنیتی، ارزیابی‌های تخصصی و فرهنگ‌سازی در حوزه امنیت سایبری باعث شده است بسیاری از نهادهای مالی مسیر ارتقای بلوغ امنیت اطلاعات را با جدیت بیشتری دنبال کنند. امروز استفاده از راهکارهایی مانند SIEM، مراکز عملیات امنیت (SOC)، مدیریت متمرکز لاگ‌ها، سامانه‌های مانیتورینگ، مدیریت آسیب‌پذیری، نسخه‌های پشتیبان امن و معماری‌های مقاوم، دیگر یک انتخاب لوکس نیست؛ بلکه بخشی از الزامات تداوم کسب‌وکار محسوب می‌شود. اما در کنار تجهیزات، نرم‌افزارها و استانداردها، نباید مهم‌ترین سرمایه هر سازمان را فراموش کنیم؛ نیروی انسانی متخصص. تجربه ۱۶ سال فعالیت در حوزه امنیت و فناوری اطلاعات کارگزاری‌ها و سایر نهادهای مالی به من نشان داده است که موفق‌ترین پروژه‌های فناوری اطلاعات، الزاماً پروژه‌هایی نبوده‌اند که بیشترین بودجه را در اختیار داشته‌اند؛ بلکه پروژه‌هایی موفق بوده‌اند که مدیران ارشد سازمان به تخصص و جایگاه تیم فناوری اطلاعات اعتماد کرده و آن را در اولویت قرار داده‌اند.

مدیر امنیت و فناوری اطلاعات در یک کارگزاری، صرفاً مسوول نگهداری شبکه یا سرورها نیست. او با تقریباً تمام واحدهای سازمان در ارتباط است؛ از معاملات، مدیریت ریسک، عملیات، مالی، منابع انسانی و امور مشتریان گرفته تا واحدهای نظارتی و مدیرعامل. بسیاری از تصمیمات راهبردی سازمان، امروز بدون در نظر گرفتن الزامات فناوری اطلاعات و امنیت سایبری، عملاً قابل اجرا نیست.

به همین دلیل، ارتباط مستقیم، مستمر و موثر میان مدیرعامل و مدیر امنیت و فناوری اطلاعات، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت سازمان داشته باشد. این ارتباط باعث می‌شود تصمیم‌های مدیریتی با شناخت بهتر از ریسک‌های فناوری، الزامات امنیتی و نیازهای زیرساختی اتخاذ شوند و از سوی دیگر، واحد فناوری اطلاعات نیز بتواند برنامه‌های توسعه‌ای خود را در راستای اهداف کسب‌وکار تنظیم کند.

از سوی دیگر، یکی از چالش‌های جدی صنعت، حفظ و توسعه نیروی انسانی متخصص است. افزایش پیچیدگی تهدیدات سایبری، توسعه فناوری‌های نوین، مهاجرت به زیرساخت‌های ابری، الزامات نظارتی و نیاز روزافزون به خدمات پایدار، همگی ایجاب می‌کنند که سازمان‌ها بیش از گذشته روی آموزش، حفظ و توانمندسازی سرمایه انسانی خود سرمایه‌گذاری کنند.

زیرساخت قدرتمند بدون نیروی متخصص، تنها مجموعه‌ای از تجهیزات گران‌قیمت است؛ همان گونه که نیروی متخصص بدون حمایت مدیران ارشد، نمی‌تواند ظرفیت واقعی خود را در خدمت سازمان قرار دهد.

به اعتقاد من، امروز زمان آن رسیده است که نگاه به فناوری اطلاعات در صنعت بازار سرمایه از یک واحد پشتیبان، به یک شریک راهبردی کسب‌وکار تغییر کند. آینده این صنعت نه فقط به سرمایه مالی، بلکه به امنیت سایبری، پایداری خدمات، زیرساخت‌های قابل اتکا و تصمیم‌گیری مبتنی بر فناوری وابسته است.

بی‌تردید مدیران عاملی که امروز سرمایه‌گذاری در زیرساخت، امنیت اطلاعات و نیروی انسانی متخصص را در اولویت قرار دهند، فردا سازمانی پایدارتر، امن‌تر و قابل اعتمادتر خواهند داشت.

خروج بانک‌ها از بنگاه‌داری با مهندسی مالی

علی جبل‌عاملی، کارشناس بازار سرمایه توضیح داد: سال‌ها انباشت شرکت‌ها، دارایی‌های سمی، املاک تملیکی و مستغلات غیرمولد در ترازنامه بانک‌ها، مسیر واسطه‌گری مالی را مسدود کرده و با کاهش سرعت گردش پول، قدرت تسهیلات‌دهی شبکه بانکی را به حداقل رسانده است. این وضعیت که از آن به عنوان «حبس نقدینگی» یاد می‌شود، بانک‌ها را به سمت ناترازی و اضافه‌برداشت از بانک مرکزی سوق داده و به رشد نقدینگی و تورم دامن زده است. قائم‌مقام گروه مالی کارآمد ادامه داد: اصلاحات اخیر با فاصله گرفتن از روش‌های سنتی و کم‌بازده مبتنی بر مزایده‌های عمومی، مسیر واگذاری دارایی‌های مازاد بانک‌ها را به سمت مهندسی مالی و استفاده از ظرفیت‌های بازار سرمایه هدایت کرده است؛ موضوعی که می‌تواند فرآیند خروج دارایی‌های مازاد از ترازنامه بانک‌ها را تسهیل کند. جبل‌عاملی توضیح داد: یکی از مهم‌ترین ابعاد این تحول، واگذاری سهام شرکت‌های تابعه و وابسته بانک‌ها در